



نمایش صادر شود. یکی دو مورد ممیزی به کار خورد به کار و مجبور شدیم آنها را اصلاح کنیم. تا آنکه ماه پیش از هنر تجربه تماس گرفتند و زمان اکران به ما دادند ولی خوب شرایط اکران واقعاً مناسب نیست انسان‌ها به خاطر شرایط جامعه چندان دل و دماغ رفتن به سینما ندارند. مردم مشکلات زیادی دارند حتی خود من به یاد ندارم که آخرین بار کی به سینما رفتم آن هم برای چنین فیلمی که مخاطب عام ندارد و قشر دانشجویی و طبقه متوسط شاید مخاطب آن باشند.

پرستو قربانی:

خود راه بگوید که چون باید رفت

از تجربیات قبلی تان بگوئید.

تحصیلاتم در زمینه فلسفه است و حدود ۱۳ سال است که به فعالیت‌های تئاتری همینطور تصویر می‌پردازم ولی تجربیات تئاتری‌ام بیشتر از تجربیات تصویر است. جوایزی مانند جایزه بازیگری از جشنواره ایسفا، تندیس بهترین بازیگر از جشنواره تئاتر فجر، همینطور تقدیر از جشنواره تئاتر دانشجویی و بهترین بازیگر جشنواره تئاتر ماسک در گرجستان را بدست آورده‌ام. فراموشخانه در واقع اولین تجربه کار تصویر من در زمینه سینمایی بلند است.

تجربه فیلم مستند داستانی چه تاثیری بر روند خلق شخصیت داشت؟

این یک تجربه بسیار جالب و طولانی بود. طبق صحبت اولیه‌ای که نسبت به نقش پرستو با من شد خیلی جذب بخش مستند این فیلم شدم. یعنی زمانی که فهمیدم این فیلم در مورد پیمانو دانشگاه تهران است و در واقع روایتی که قرار است از این پیمانو و حلاله‌هایی که در دل این قصه گنجد کار شود برایم جذاب بود. اما در مورد بخش داستانی فکر می‌کنم که کلاً فضا برای همه ما کمی گنگ بود. برای همین در مورد آن بسیار صحبت می‌کردیم و در واقع جزو آن پروژه‌هایی نبود که همه چیز از روز اول مشخص شده باشد با گروه کارگردانی و بازیگر مقابلم بسیار صحبت می‌کردیم و ساعت‌های اتود می‌زدیم تا بتوانیم این بخش داستانی را هم با بخش مستند اثر هماهنگ کنیم.

بازیگری برای شما چگونه آغاز شد؟

من آموزش تئاتر را به صورت آزاد دنبال کردم در ابتدا در فرهنگسرای ارسباران شاگرد آقای رضا بهبودی بودم و پس از آن دوره‌های تنفس، آواز و رقص را پیش آقای حمید پور آذری گذراندم. من خوش شانس بودم که توانستم با اساتید خوبی کار کنم همینطور دوره‌های کوتاهی با آقای کوشک جلالی کار کردم ولی فکر می‌کنم اگر در دانشگاه هم همین رشته را می‌خواندم شاید مسیرم کوتاه‌تر می‌شد. اگر امروز بخواهم به کسی مشورت بدهم پیشنهاد می‌کنم که این رشته را در دانشگاه دنبال کنند چون ممکن است به صورت آزاد کمی سخت‌تر باشد تا بتوانند مسیرهایی که باید را پیدا کنند.

در مورد تعهد بازیگر به دنیای هنر و جامعه به نسبت تمایزش به دیده شدن، تمایز شهرت، ثروت و موفقیت در عرصه بازیگری چه فکر می‌کنید؟

حقیقتاً انقدر شرایط کار سخت است که از جایی به بعد توانی برای ادامه دادن وجود ندارد. در رشته ما افراد به دو دسته تقسیم می‌شوند فکر می‌کنم از آنجایی که مسیر شهرت به راحتی فراهم و مهیا نیست و من اصلاً ارزش گذاری خوب و بد نمی‌کنم اما این مسیر چیزهایی را می‌طلبد که فرد از یک سری مسائل باز می‌ماند. خیلی وقت‌ها به عنوان یک بازیگر باید انتخاب کند که سر کاری برود که پول و شهرت برایش به دنبال خواهد داشت یا در کاری باشد که نقش جالبی است یا پروژه خاصی و یا اینکه متن خوبی دارد. این تصمیمی است که فرد با توجه به تفکر و علاقه خود می‌گیرد. اما در مورد خودم فکر می‌کنم که بازیگری برای من از جنس دیگری است همیشه سعی کرده‌ام سر کارهایی باشم که با آنها پیوندی از نظر فکری دارم و احساس می‌کنم که کار معناداری انجام داده‌ام. از طرفی هم نمی‌توانم کسانی که مسیر دیگری را انتخاب کرده‌اند شمتات کنم. کاش این دو مسیر در یک نقطه به هم برسند. اما تجربه من در این سال‌های فعالیت و نگاه کردن به زندگی همکارانم و بی‌نهایت بازیگر با استعدادی که اطرافم می‌بینم که اهل مطالعه و تمرین بوده‌اند در حاشیه دنیای هنر نبودند این است که از مسیر باز مانده‌اند. از طرفی هم کسانی را می‌بینم که اصلاً به این شکل نبوده‌اند اما توانسته‌اند راه خود را در عالم شهرت و ثروت راحت‌تر باز کنند. فکر می‌کنم اینها به علت یک ساختار غلط است و اگر ما در یک ساختار درست‌تری فعالیت می‌کردیم شاید این دو به یک بالانسی می‌رسیدند و انسان‌ها از این‌که اهل مطالعه و تمرین بوده‌اند پشیمان نمی‌شدند. در نهایت معتقدم که خود راه بگوئید که چون باید رفت و گاهی اوقات انسان اصلاً نمی‌تواند مسیر دیگری را طی کند این مسیر کیفیتی دارد که نگاهت می‌دارد.

و نسبت به آن اهلیت داشته باشند تا در پروسه فیلمبرداری خیلی وقت‌ها صرف این نشود که فرضاً بیاییم و بخواهیم ویژگی‌های یک نقش را با بازیگر کار کنیم یا کمکش کنیم که به آن برسد. ما از این جهت بسیار جلو بودیم و از این جهت هم که کار اولین فیلممان بود و بودجه آنچنانی هم نداشتیم، فیلم مستقل بود و بچه‌ها بدون چشم داشت با کمترین توقع سر کار آمدند کار را واقعاً به صورت گروهی انجام دادیم. یعنی بدون حضور هر کدام از عوامل چه بازیگران و چه عوامل دیگر واقعاً این فیلم ساخته نمی‌شد و تقریباً تمام سختی‌های سینمای مستقل را واقعاً کشیدیم.

در مورد طراحی صحنه بخش داستانی فیلم بگوئید.

ما انتخاب لوکیشن انجام دادیم یعنی آن کافه و مکان‌هایی که در خیابان هستند را انتخاب کردیم و همینطور فضاهای داخلی مثل اتاق شخصیت اصلی داستان که کاملاً طراحی شده است. البته ما با کمترین امکانات این کار را انجام دادیم چرا که طراحی صحنه کار را من و همکارم آقای قدسی با هم انجام دادیم و بیشتر سلیقه‌ای و طبق تجربیاتی بود که قبلاً داشتیم. من قبلاً تجربیاتی در زمینه طراحی صحنه فیلم بلند سینمایی و تئاتر داشتم که از همان تجربه‌های قبلی استفاده شد تا این کار انجام شود.

از سال ساخت تا زمان نمایش فیلم فاصله قابل توجهی هست علت آن چه بود؟

فیلم سال ۹۸ آماده شد و آن را به جشنواره سینما حقیقت فرستادیم که متأسفانه رد شد بعد هم دوران کووید بود و نتوانستیم فیلم را جایی بفرستیم. سال بعدش دوباره فیلم را به جشنواره سینما حقیقت فرستادیم که پذیرفته شد و من هرگز نفهمیدم که اساساً با چه معیاری رد شده بود که حال با آن معیار انتخاب شد. خوشبختانه فیلم باز خورد های خوبی در جشنواره سینما حقیقت داشت و نقدهای بسیار مثبتی دریافت کرد مثلاً آقای آذرم نقد مثبت زیبایی برای کار نوشتند. بعد از آن دو سال پیش درخواست پروانه نمایش را برای بخش هنر و تجربه دادم که البته خیلی طول کشید تا این پرونده

شده‌اند و این خبر بسیار برایم تأسف بار بود. اگر ایشان نبودند این فیلم هرگز ساخته نمی‌شد همینطور آقای رحمت امینی که آن سال رئیس گروه تئاتر بودند و کمک‌های بی‌دریغی برای ساخت این فیلم به ما کردند. به طور کلی دانشگاه تهران و مسئولینش همکاری زیادی کردند و دلایل هم این بود که فیلم به نوعی در مورد دانشگاه تهران و میراثی است که در آن وجود دارد. متأسفانه یک سری لوکیشن‌ها و مکان‌ها نسبت به دوربین و فیلم‌ساز خیلی بدبین هستند و شما با اینکه مجوز با آرشاد نامه داری باز هم همه نسبت به تو مشکوک هستند که برای چه چیزی می‌خواهی فیلم بگیری و به دنبال چه چیزی هستی.

در مورد انتخاب بازیگرهای فیلم بگوئید.

آقای امیر مسعود تهرانی از دوستان قدیمی من هستند و با توجه به اینکه همزمان هم دانشجوی بودیم همدیگر را می‌شناختیم. ایشان بازیگر توانایی هم هستند و از پس نقش برآمدند ولی رویکرد ما در زمینه بازیگری این فیلم رویکرد کلاسیک نبود ما فیلمنامه به معنی کلاسیک آن نداشتیم و به بچه‌ها فیلمنامه‌ای نداده بودیم. ما در جلسات به بازیگرها ایمان گفتیم که ایده‌ای هست در مورد یک مستند به این شکل و یک بخش داستانی هم به موازاتش وجود دارد و بچه‌ها واقعاً لطف کردند و بدون آگاهی کامل از نتیجه نهایی فیلم پیشنهاد ما را پذیرفتند و همکاری کردند. در واقع ریسک کرده به ما اعتماد کردند و من بابت این ریسک و اعتمادی که به ما کردند از آنها متشکرم. اما دلیل دیگری که در انتخاب دوستان تاثیر داشت این بود که ما سعی کردیم تا این دو کاراکتر فیلم بر اساس شخصیت خود بچه‌ها در داستان شکل بگیرند. از اسم کاراکترها که در واقع اسم خود بازیگران است بگیریم تا اتفاقاتی که در فیلم برای آنها می‌افتد. سعی کردیم کسانی را انتخاب کنیم که با این موضوعات آشنایی داشته باشند و خیلی برایشان دور نباشد. مثلاً هر دوی این بازیگران سال‌ها در دانشکده هنرهای زیبا رفت و آمد داشتند و این کاراکترهایی هم که در داستان ساختند خیلی دور از کاراکتر خودشان نبود. در واقع ما در پروسه انتخاب کسانی را انتخاب کردیم به این وقایع آشنا باشد